



منابع مالی خارجی آثار و عواقب آن

افسانه کلانکی

بعد از پایان جنگ جهانی دوم که بسیاری از کشورهای تحت سلطه استعمار به استقلال سیاسی دست یافتند، ضرورت دستیابی هرچه سریعتر به رشد و توسعه اقتصادی در دستور کار این گونه کشورها قرار گرفت. اکثر این کشورها به دنبال ابزارهایی بودند که به وسیله آن توسعه کشور خود را تضمین کنند. از آنجایی که این کشورها سالیان سال در سلطه استعمار مجدد این گونه کشورها بود، از این رو می‌کوشید با استفاده از اهرمهای تجویزی، زمینه را برای وابستگی هر چه بیشتر ممالک تازه استقلال یافته را به خود فراهم آورد. دنیای استکباری با کمک دولت‌های دست‌نشانده خود و به مدد تحصیلکرده‌های وطنی و نظریه پردازان وابسته که سالها تحت سلطه فرهنگی غرب به سر بردند؛ چنین القا کرده بود که مهمترین مانع توسعه، فقدان منابع مالی یا به عبارت بهتر، نبود سرمایه گذاری است. از این رو چاره را در استقراض از منابع مالی و پولی بین

المللی اعلام داشتند.

سرمایه ابزار توسعه است، اما ...
گرچه به نظر بسیاری از اندیشمندان، سرمایه ابزار اصلی توسعه اقتصادی است و برای تامین آن می‌توان از راههای مختلف، به ویژه از طریق پس انداز اختیاری، درآمدهای مالیاتی، عوارض گمرکی، وام و اعتبار، تجارت بین الملل، کالاهای صادراتی و... سود جست، آن چه که موجب تشدید وابستگی به نظامهای سلطه گر جهانی می‌شود، استقراض از نهادهای مالی و پولی بین المللی و دولتهای استکباری است.

کشورهای تازه استقلال یافته بدون تجربه از یافته‌های دیگران، برای تامین منابع مالی در ابتدا به سراغ بانکهای خصوصی رفتند، اما به تدریج دریافتند که بانکهای خصوصی نمی‌توانند چاره ساز تامین مالی آنها باشند، چرا که به وامهای بلندمدت و لااقل میان مدت تمایل داشتند، اما منابع بانکی از نوع کوتاه مدت بود. از این رو، این گونه کشورها چاره

را در سرمایه گذاری خارجی دیدند.

دیدگاههای مختلف در مورد سرمایه گذاری خارجی

درباره سرمایه گذاری خارجی دیدگاههای مختلفی وجود دارد:

عده‌ای به چشم مثبت به این پدیده اقتصادی می‌نگرند، به عبارت بهتر، موافق پدیده سرمایه گذاری خارجی هستند و معتقدند که سرمایه گذاری خارجی در توسعه سرمایه، فن آوری، اشتغال، تخصص و مدیریت نقش موثری دارد.

دیدگاه دیگر، سرمایه گذاری خارجی را نوعی «ابزار سلطه» می‌داند و مخالف این پدیده برای اقتصاد کشورهای تازه استقلال یافته - که امروزه برخی از آنها عنوان «ممالک در حال توسعه» را یک می‌کشند - هستند. از دیدگاه این گروه، سرمایه گذاری خارجی وسیله ای است برای سودجویی و غارت منابع اقتصادی کشور که آثار مخرب اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را به همراه دارد و به

عبارت بهتر، سرمایه گذاری خارجی تهدیدی است برای استقلال و ارزشهای یک کشور. تجربه سرمایه گذاری خارجی در اکثر کشورهای در حال توسعه نشان می دهد که افزایش میزان سرمایه گذاری خارجی و توسل بیشتر به این منبع ارزی، لطمه پذیری استقلال سیاسی و اقتصادی کشورهای وام گیر را افزایش داده و تاراج منابع طبیعی، ثروت های موجود و نیروی انسانی آنها را تسهیل می کند و موازنه حساب جاری مجموعه کشورهای جهان سوم به اعتبار هر تقسیم بندی، منفی و نزولی بوده است.

بسیاری از نظریه پردازان اقتصادی معتقدند با توجه به اینکه اکثر ممالک آفریقایی و آسیایی قادر به تامین منابع مالی لازم برای رشد و توسعه خود نیستند، مجبور به قبول کمک کم و بیش غیرمغرضانه گروه های بزرگ

صورت انجام می گیرد:

۱- سرمایه گذاری خصوصی مستقیم.

۲- وامها و اعتبارات خارجی.

آنچه را که طرفداران سرمایه خصوصی به عنوان امتیاز اصلی ارائه می دهند، این است که این نوع سرمایه به ورود وجوه خالص به کشور منجر می شود و موجبات فعال شدن بازار ملی را فراهم آورده و منابع مالی اضافه واردات بر صادرات را تامین می کند، ولی تجربه نشان می دهد که به طور دقیق عکس این مورد اتفاق افتاده و موازنه جریان همواره به نفع سرمایه گذار تمام شده است. باید گفت: به ندرت گروه های خصوصی یافت می شوند که سرمایه گذاری های اضافی را بر حسب هزینه های سرمایه ای انجام دهند. از آنها نادرتر گروه هایی هستند که به استمرار جریان خالص سرمایه در طول چند سال رضایت دارند.

هم وجود دارد، مانند کاهش قیمت کالاهای صادراتی خود که این اقدام دارای دو امتیاز برای آنان است: اول فرار از پرداخت مالیات به کشوری که در آن استقرار یافته اند و دوم انتقال منافع واقعی به کشور خود که در آنجا بر حسب قیمت تمام شده محصولات نقد می شود، راه دیگر استفاده از وجوه استهلاک و ذخایر است. بنابراین، نرخ واقعی منافع را نه تنها از منافع آشکار - که در واقع بخش نسبتاً ناچیزی از منافع را تشکیل می دهد - بلکه از مجموع سرمایه انباشت شده باید استنتاج کرد.

سرمایه گذاری خارجی به رشد ناموزون در میان بخش های اقتصادی کشورهای کم توسعه یافته منجر شده و برخی از بخشها دارای رشد سرطانی در راستای منافع سرمایه گذاران خارجی می شود.

ورود سرمایه خارجی به صورت اعتبار نقدی و وام، دانش فنی، ماشین آلات و نظایر آن خود می تواند عامل بالقوه ای برای فعال شدن بازار ملی و در نتیجه رشد و توسعه اقتصادی مطرح باشد

خصوصی و دولتهای سرمایه گذار هستند. از سوی دیگر، برخی از اقتصاددانان جهان سوم معتقدند، سرمایه گذاری خارجی دامنه و کاربرد واقعی و شرایط کارآیی این پدیده مطرح است. به بیان دیگر ورود سرمایه خارجی به صورت اعتبار نقدی و وام، دانش فنی، ماشین آلات و نظایر آن خود می تواند عامل بالقوه ای برای فعال شدن بازار ملی و در نتیجه رشد و توسعه اقتصادی مطرح باشد، ولی تجربه نشان داده است که جریان بر عکس بوده و موازنه جریان همواره به نفع سرمایه گذار تمام شده است.

راه های مختلف تأمین سرمایه گذاری های خارجی

سرمایه گذاری خارجی به طور عمده به دو

شرکتهای چند ملیتی و سرمایه گذاری خصوصی

مهمترین منبع تامین سرمایه گذاری های خصوصی مستقیم، شرکتهای چند ملیتی هستند، اگرچه شرکتهای چند ملیتی ممکن است تاثیر مثبتی در ساختار اقتصادی - اجتماعی برخی از کشورها داشته باشند، اما اثرات منفی و مخرب آنها از اثرات مثبت آنها بیشتر است. چرا که مهمترین انگیزه و علت اصلی گرایش شرکتهای چند ملیتی به سرمایه گذاری مستقیم در کشورهای توسعه نیافته، سود سرشاری است که از این بابت به جیب می زنند.

بررسیهای موجود نشان می دهد که تصمیم گیری در مورد شرکتهای چند ملیتی و معامله با آنها، از پیچیده ترین تصمیمات اقتصادی است. شرکتهای چند ملیتی از سه اهرم قوی سرمایه، فن آوری و مهارت مدیریت برخوردارند که در مذاکرات خود با دولتهای کشورهای توسعه نیافته استفاده می کنند و بدیهی است که این حربه دست آنها را در

در حال حاضر، این مشکل سرمایه گذاری، یعنی سرمایه گذاری انگل صنعت، در حالی که خروج سود سهام، بهره و سرمایه های انتقالی رو به افزایش است. جریان خالص سرمایه های خصوصی به سمت این کشورها به طور دائم کاهش می یابد، به دیگر معنی، منافع سرمایه گذاری قدیمی از میزان سرمایه گذاری های جدید بیشتر است. به نظر می رسد حرکت «فرار سرمایه» از کشورهای فقیر به کشورهای غنی یکی از شاخصهای اساسی اقتصادی کم توسعه یافتگی باشد. درآمدهای قطعی شرکتهای، صرفاً بخشی از نرخ واقعی سود را تشکیل می دهد. بقیه سود از طریق حساب سازی و سندسازی به اصطلاح کم و گور می شود، ترفندهای دیگری

مداخله و نفوذ در ممالک در حال توسعه باز می‌گذارد. این شرکتها اشتیاق زیادی برای تامین واحدهای تولیدی با مالکیت کامل از خود نشان می‌دهند و تلاش زیادی برای به دست آوردن منابع ملی کشور میزبان به عمل می‌آورند و به عنوان بزرگترین عامل برگشت سرمایه از ممالک در حال توسعه به خارج عمل می‌کنند. تسلط این شرکتها به فعالیتهای کلیدی و حیاتی در کشورهای جهان سوم به آنها قدرت ویژه ای بخشیده است که در هر زمانی از این قدرت به عنوان اهرمی برای اهداف خاص خود استفاده می‌کنند و بر سیاستهای اقتصادی، صنعتی، سیاسی و حتی فرهنگی و اجتماعی آن کشورها تاثیر می‌گذارند. در مورد اثرات بارز و آشکار فعالیت شرکتهای چند ملیتی در جهان سوم می‌توان از برداشتهای کلان از منابع و ثروتهای این کشورها، ایجاد تمرکز ثروت در دست عده‌ای خاص، استفاده گسترده از فن آوری سرمایه بر و تشدید دوگانگی اقتصادی در این کشورها، ایجاد محدودیت در تجارت خارجی این کشورها، ایجاد کسریهای شدید بودجه ای، گسترش نابرابریهای اجتماعی و دور شدن از عدالت اجتماعی و اقتصادی در جامعه، تغییر ساختار فرهنگی جامعه و گسترش فرهنگ وابسته و وارداتی و نابودی فرهنگ سنتی و ایجاد بی‌ثباتی در حاکمیت کشورهای جهان سوم را نام برد.

وامها و اعتبارات خارجی

وامها و اعتبارات خارجی، نوع دیگری از سرمایه گذاری خارجی است. اعتبار خارجی نوعی استقراض در مدت زمانی مشخص است که مورد توافق کشور وام دهنده و کشور وام گیرنده قرار می‌گیرد. استقراض خارجی به سه حالت قابل تقسیم بندی است.

۱- اخذ وام برای هزینه های جاری و روزمره مانند خرید کالاهای مصرفی و ایجاد

رفاه نسبی.

۲- اخذ وام برای سرمایه گذاریهای عمرانی، خرید ماشین آلات و وسایلی که از جهان صنعتی وارد می‌شوند.

۳- اخذ وام و اعتبارات خارجی برای سرمایه گذاری در طرحهایی که برای کشور ایجاد درآمد ارزی می‌کند.

حالت اول که به منظور خرید کالاهای مصرفی به کار می‌روند، امری غیرمنطقی است، زیرا وام گرفتن برای هزینه های جاری تضمینی برای بازپرداخت آن وجود ندارد. همانگونه که برخی دولتها از بانکهای داخل برای جبران کسری بودجه خود استقراض می‌کنند، چنان که نتوانند آن را پرداخت کنند، در نتیجه طی چند سال چندین برابر وجوه استقراضی خود مقروض می‌شوند، این موضوع برای تامین هزینه های جاری نیز صادق است.

در مورد حالت دوم، یعنی اخذ وام به منظور سرمایه گذاریهای عمرانی و خرید ماشین آلات، بازپرداخت آن از راه درآمدهای ملی صورت می‌گیرد، این نوع سرمایه گذاریها چون هیچ گونه امکانات جدید ارزی برای کشور به وجود

نمی‌آورد و بازپرداخت آن به میزان درآمد ملی بستگی دارد. بسیاری را عقیده بر این است که این نوع وام و اعتبار خارجی چندان برای کشور وام گیر مقرون به صرفه نیست.

حالت سوم دریافت وام و اعتبارات خارجی به منظور استفاده از سرمایه گذاری در طرحهایی است که برای کشور درآمد ارزی ایجاد می‌کنند مثل احداث کارخانه ها، فرودگاهها، و کارگاههای تولیدی. طبعاً استفاده از وام و اعتبار خارجی برای چنین طرحهایی که موجب وابستگی و ایجاد خطر برای کشور نمی‌شوند، بلامانع است. صرفنظر از آثار مثبت و منفی اخذ وام و اعتبار خارجی، برخورد نهاد وام دهنده و ماهیت آن و نیز شرایطی را که برای وام به کشور وام گیر قایل می‌شود مطرح است. به عقیده صاحب نظران، اخذ وام و اعتبارات خارجی در صورتی می‌تواند موثر باشد که این دو شرط رعایت شده باشد:

۱- به هیچ شرط سیاسی یا اقتصادی که حاکمیت کشور را خدشه دار کند، مشروط نباشد.

۲- دریافت وام آزادانه صورت گیرد، به این معنا که وام گیرنده بتواند بنا به میل خود و برحسب اولویتهای ملی و نه «بازدهی» که برای او و وام دهنده به هر صورت معنای یکسانی ندارد، از آن استفاده کند. - به ارز قابل تعمیر پرداخت شود. - وام گیرنده بتواند از اعتبار دریافت شده برای خرید تجهیزات و دریافت پروانه به منبع و کشوری غیر از وام دهنده مراجعه کند. اما ماهیت سودجویانه و سلطه طلبانه مرجع وام دهنده نشان می‌دهد که این شروط هیچگاه محقق نمی‌گردد. سالاهاست که استقراض خارجی از نونهاد پولی-مالی بین المللی به نام «صندوق بین المللی پول» و «بانک جهانی» انجام می‌گیرد. هدف عمده تاسیس این نونهاد پولی بین المللی، ایجاد تسهیلات بیشتر در اعطای وام به کشورهای در حال



بانک جهانی نیز یک سازمان پولی-بانکی است که از بازار سرمایه با بهره کم وام می‌گیرد و با نرخهای بالاتر (بین ۶ درصد تا ۷ درصد) وام می‌دهد.

نحوه اعطای این وامها انتخابی، گزینشی و بر مبنای تبعیض بوده است و به گروههایی تعلق می‌گیرد که اولاً "برای بخش خصوصی تضمینهایی در نظر بگیرند، ثانیاً "طرحهای خاص به ویژه در زمینه توسعه زیربنایی ارائه دهند.

در هر حال وامهای اعطایی از طرف این دونهاد پولی، نه تنها کمکی به رشد و توسعه کشورهای در حال توسعه نمی‌کند، بلکه بر حجم بدهیهای خارجی این گونه ممالک می‌افزاید و وامهای دریافتی نیز به نسبت فزاینده ای صرف پرداخت هزینه وامهای سابق خواهد شد و به نوبه خود بدهیهای بیشتری به دنبال خواهد داشت.

با توجه به شرایط موجود در جهان، کشورهای در حال توسعه غیر وابسته لزوماً "باید با احتیاط بسیار، قبل از هر تصمیمی آینده نگری داشته باشند و نظر محققان و کارشناسان متعهد داخلی را جویا شوند. چرا که مشارکت در طرحهای عمرانی همراه با استقرار از هر کشوری که عنوان شود، به دوراندیشی بسیار نیاز دارد.

وضعیت بحرانی بسیاری از کشورهای جهان آینه روشنی را پیش روی ما می‌گذارد. امروزه عملکرد صندوق بین المللی پول بسیاری از ممالک در حال توسعه را با بحرانی دست و پاگیر مواجه کرده است. اندونزی مثال روشن این ادعاست. آگاهان معتقدند که سیاستهای صندوق بین المللی پول شرایط وخیمی برای این کشور به وجود آورده بود که موجب شعله ور شدن خشم و اعتراض مردم شده، خشمی که در نهایت منجر به سقوط دولت سوهارتو شد. ■

ماخذ: فصلنامه بانک شماره ۵

سهامیه کمتری دارند، برخوردار هستند.

با این وجود، مشکلات وام صندوق بین المللی پول به کم بودن سقف آن منحصر نمی‌شود، در صورتی که تقاضای وام یک کشور بیش از ۲۵ درصد سهمیه آن کشور در صندوق باشد، این وام مشروط خواهد بود. هر چه میزان وام بیشتر باشد، به شرایط نیز افزوده خواهد شد. بدیهی است که چون سهمیه کشورهای در حال توسعه که نیازمندان واقعی وام هستند، بسیار پایین است، از این رو مجبور می‌شوند به شرایط تحمیلی صندوق بین المللی پول تن در دهند و این در حالی است که کشورهایی که وضعیت مالی بهتری دارند،

می‌توانند مبالغ بسیار بیشتری را بدون قید و شرط وام بگیرند.

وام دهی با قید و شرط

بعضی از شرایط صندوق بین المللی پول عبارت است از:

- * کاهش ارزش برابری پول ملی، که سبب افزایش بهای کالاهای وارداتی می‌شود.
- * کاهش هزینه‌ها و کسری بودجه‌ها از طریق حذف رایانه، که معمولاً به زیان بخشهایی از جامعه منجر می‌شود.
- * افزایش تعرفه های دولتی و کاهش عرضه اعتبارات از طریق محدودیتهای اعتباری و بالابردن نرخ بهره.

از دیگر شرایط صندوق بین المللی پول، آزادسازی بازرگانی خارجی، تسهیل سرمایه گذاری مستقیم خارجی و ایجاد شرایط مناسب برای ورود سرمایه است که با توجه به آن دولتهای کشورهای وام گیرنده توانایی نظارت بر پرداختهای خارجی کشور و پیش بینی مشکلات جدید را از دست خواهند داد.



توسعه با مدت طولانی تر و بهره کمتر بوده است. البته در طول چند دهه گذشته در عمل مشخص شد که منظور از کشورهای در حال توسعه، آن مجموعه ای از کشورهای وابسته به آمریکا و غرب است که نیاز به کمک دارند. گروه بانک جهانی و صندوق بین المللی پول به عنوان یک مجموعه عمل می‌کنند، به این ترتیب که فقط اعضای صندوق بین المللی پول می‌توانند به عضویت بانک جهانی درآیند. و از طرف دیگر عضویت در بانک جهانی شرط اولیه پذیرفته شدن به عضویت صندوق بین المللی پول است.

به هر حال نحوه دریافت وام از صندوق بین المللی پول به این ترتیب است که هر کشور سهامیه معینی را به صندوق واریز می‌کند که به درآمد و صادراتش بستگی دارد. در عوض کشورهای عضو حق دارند به تناسب سهمیه شان از کمکهای صندوق برخوردار شوند، یعنی کشورهایی که وضعیت مالی بهتر و در نتیجه سهمیه بالاتری دارند، از امکان وام گیری بیشتری نسبت به کشورهای جهان سوم که